

مدارك تازه درباره مهاجرت ۱۳۰۴

یادداشت‌های عباس میرزا سالار لشکر و منقولاتی از تاریخ
مختصر کردند.

در آغاز جنگ جهانی اول دولت ایران بی طرفی خود را رسماً
اعلان کرد ولی دولتیین متخاصم بدون توجه به این موضوع ایران را صحنه
کارزار نمودند. ملیون ایرانی که سابقه تلخی از دخالت‌های انگلیس و
روس در امور داخلی ایران و سلب آزادی این کشور داشتند و در جستجوی
راه مقاومت با نفوذ این دو همسایه بودند، در این موقع در صدد برآمدند
که با استفاده از کمک دولتیین آلمان و عثمانی با این دو دولت مبارزه
کنند .

از دیر زمان استفاده از سیاست‌های متضاد دول خارجی برای حفظ

* نسخه خطی این مدارک نزد خانواده مرحوم عباس میرزا سالار لشکر

می باشد .

منافع و استقلال ایران بین سیاستمداران و وطن پرست ایرانی مرسوم بود و در این هنگام نیز ملیون درصد برآمدند که با استفاده از قدرت آلمان و عثمانی از نفوذ انگلستان و روسیه بکاهند.

در سال ۱۳۳۴ قمری کابینه مستوفی الممالک در تعقیب پیشرفت قوای روس در داخل ایران و اشغال قزوین تصمیم به ترك تهران و تغییر پایتخت گرفت و عده زیادی از ملیون و قوای ژاندارم و وکلای مجلس سوم به استقبال از این تصمیم تهران را ترك کردند و عازم قم گردیدند. پرنس رویس سفیر آلمان ملیون را به این کار تشویق و خود نیز با آنان همسفر گشت.

احمد شاه در لحظات آخر در اثر تهدید سفرای روس و انگلیس و توصیه بعضی از رجال که از آن جمله فرما تفرما را نام برده اند و علی رغم نظر و میل باطنی مستوفی الممالک تصمیم به ترك عزیمت گرفت، بنا بر این دولت رسمی در تهران باقی ماند در حالیکه عده زیادی از وطن پرستان و تنها قوای ملی ایران ژاندارمها و وکلای تندروی مجلس تهران را ترك گفته بودند، بدین طریق نهضتی که بعدها به مهاجرت یا قیام ملی معروف گردید آغاز شد.

مهاجرین در ساوه و قم اجتماع و درصد مقاومت در مقابل قوای روس برآمدند ولی در اثر پیشرفت دشمن و شکست هائی که در ساوه و قم به آنان وارد آمد به اصفهان عقب نشینی نمودند و سپس از راه لرستان به عده ای از ملیون که در کرمانشاه با روسها می جنگیدند ملحق شدند.

در سال ۱۳۳۴ هجری قمری انگلیسها برای دفاع از مواضع خود در خلیج فارس قوای ازبصره بسوی شمال حرکت داده بودند که در کوت العماره توسط قوای عثمانی محاصره شد و ناچار شدتدازرونها کمک بطلبند، روسها نیز قوای تحت فرماندهی ژنرال با راتف به ایران اعزام داشتند تا از غرب ایران عبور کرده در بین النهرین به آنها محلق شود و بدین منظور میبایست با قوای ایرانی و عثمانی که در کرمانشاه راه را بر آنها مسدود کرده بودند مواجه شوند.

قوای ایرانی در کرمانشاه از ژاندارم و افراد ایلات و عشایر و خواین محلی صفحات غرب تشکیل میشد^۱. سرکردگی این قوا و رهبری مهاجرین به رضاقلی خان نظام السلطنه والی بروجرد و لرستان که در بین ملیون محبوب بود محول شد و ایشان بعداً به ریاست حکومت ملی انتخاب گردید^۲.

در این زمان فزودین مرکز تجمع قوای روس و کرمانشاه مرکز مهاجرین بود که با کمک قوای عثمانی و مشاورین آلمانی در سدد جلو-

۱ - عباس میرزا سالار لشکر حاکم همدان در خاطرات خود در این باره چنین می نویسد :

«تمام عشایر و ملاکین غرب برای جلوگیری از روسها حاضر شده بودند و سوار و چریک آماده کرده بودند، نظام السلطنه والی بروجرد و لرستان نیز خود را برای این کار آماده کرده بود و قوا و سوار جمع آوری نموده بود.»

۲ - مودخ الدوله سپهر، ایران در جنگه بزرگه، چاپ تهران سال ۱۳۲۶

گیری از پیشرفت قوای روس بودند در این میان همدان تا مدتی بیطرف باقی مانده قسولهای آلمان، عثمانی، روس و انگلیس در آنجا مستقر بودند. پس از اینکه همدان چندین بار مورد تهاجم قوای متخاصم قرار گرفت روسها در گردنه آوج قوای ژاندارم را شکست دادند و همدان را در اواخر محرم ۱۳۳۴ اشغال کردند.

حاکم همدان عباس میرزا سالار لشکر پسر عبدالحسین میرزا فرمانفرما^۱ و داماد نظام السلطنه در این گیرودار بقوای مهاجرین پیوست و با آنها همدان را ترک کرد، سالار لشکر دلیل این تصمیم را در خاطرات شخصی خود چنین نگاشته است: «در این موقع مخاطر مملکت جایز ندانست که کناره گیری نماید و بسا قوای ملی همراه شد.»^۲

بعداً در حکومت ملی که بسر کردگی نظام السلطنه تشکیل شد

۱ - معروف است که عبدالحسین میرزا فرمانفرما از جمله اشخاصی بود که احمدشاه را از همراهی با مهاجرین منع کرده بود پسرش سالار لشکر بدین مناسبت طرف اعتماد مهاجرین نبود.

۲ - زن و دو فرزند خردسال سالار لشکر نیز همدان را ترک کردند و در بروجرد به نظام السلطنه ملحق شدند همراه سایر افراد خانواده به کرمانشاه و از آنجا به بغداد رفتند سال بعد قبل از اینکه قوای انگلیس بغداد را تصرف نماید آن شهر را نیز ترک کردند و به اسلامبول رفته تا پایان جنگ در آنجا

سالار لشکر عهده دار امور جنگ بود.^۱

چریکهای ایران که بیشتر از سواران ایلات و واحی غرب ایران تشکیل شده بود قدرت و تجهیزات کافی برای مقاومت مؤثر در مقابل قشون منظم روس نداشت و بار جنگ بر عهده قوای زاندارم بود که توسط افسران سوئدی تعلیم دیده بود و با شور زیادی علیه قوای روس و انگلیس در تمام ایران قیام کرده بود. قوای زاندارم و چریک در مقابل روسها سنگر به سنگر میجکیند و بدین طریق بیش از سه ماه طول کشید تا روسها توانستند از همدان تا قصر شیرین را تصرف کنند. و بالاخره همین ایستادگی مردم ایران باعث شد که روسها نتوانند به انگلیسها ملحق شوند و در نتیجه سقوط بغداد مدتی عقب افتاد. گفته شده است که انگلیسها عمداً در کون تسلیم شدند تا روسها به عراق نروند.^۲

ضمناً باید متذکر شد که روسها نیز با سرعت چندانی پیش نرفتند و سالار لشکر باین موضوع اشاره کرده نوشته بود که بنظر میرسد: «روسها چرمت عبور

۱ - سالار لشکر شاطرات خود را از این وقایع یادداشت کرده بود و نظروی تهیه کتابی درباره تاریخ نظامی ایران و بین النهرین در جنگ جهانی اول بوده است.

ضمناً یکی از منشیان وی مسیر را از موقعی که سالار لشکر همدان را ترک کرد تا مراجعت وی از عراق روز به روز و منزل به منزل یادداشت کرده بود که اکنون درج می شود و شاید برای اشخاصیکه در تاریخ آشفته آن دوره تحقیق میکنند مفیدتری باشد.

۲ - دیوانبیکس و سفر مهاجرت، چاپ ۱۳۵۱ م ۶۷.

از تپه‌ها و کوه‌ها و سنگلاخ‌ها و جنگلهای ایران را نداشتند و خائف بودند و در هر قدم که پیش می‌رفتند کمتر مطمئن بودند^۱

از طرفی در ربیع الثانی ۱۳۳۳ کرمانشاه و قصر شیرین بدست روسها افتاد و مهاجرین به عراق عقب نشینی کردند و مدتی در بغداد و کاظمین و کربلا بسر بردند تا با کمک قوای ترک که پس از سقوط کتوت العماره و شکست انگلیسها آزاد شده بود به ایران مراجعت کردند و روسها در مقابل حمله ترکها کرمانشاه را تخلیه کردند. مهاجرین در کرمانشاه حکومت موقتی با ریاست نظام السلطنه تشکیل دادند.

در این حکومت اشخاص آزادیخواه و وطن پرست چون سید حسین مدرس و میرزا قاسمخان صوراسرافیل^۲ شرکت داشتند و با بسط مناطق

۱- امکان دارد که روسها زیاد هم مایل به رساندن کمک به انگلیسها و موفقیت آنها در ترکیه و بین‌النهرین نبودند

S.M. Fisher, The Middle East, London 1971, P. 363.

۲- در این کابینه نظام السلطنه فرمانده کل قوا و مسئول امور جنگ، سید حسین مدرس مسئول امور عدلیه میرزا قاسمخان صوراسرافیل مسئول امور پست و تلگراف و مالدار لشکر رئیس ارکان حرب، محمدعلی سالار منظم مسئول امور خارجه، میرزا محمد علی فرزین مسئول امور مالیه حاج عزالملك اردلان مسئول امور فوائد عامه گشتند.

تحت تصرف قوای ایرانی و عثمانی کار این دولت موقت قوام گرفت و حکامی به ولایات و سفرائی به کشورهای عثمانی و آلمان اعزام داشت، و به اخذ مالیات و تنظیم بودجه و به تهیه و ترتیب قوای نظامی پرداخت. تمام احکام و فرامین این دولت بنام احمد شاه بود. دولت موقت مهاجرین حکومت تهران را دست نشاندۀ روس و انگلیس و احمد شاه را اسیر و مجبور به پیروی از نظریات آن دولت معرفی می نمود و بنابراین باتکیه به افکار عمومی ۳۰ نفر از نمایندگان مجلس سوم خود را تنها دولت واقعی ایران آزاد می دانستند. حال بنظر میرسد که از ماوراء خطوط جبهه بین نظام السلطنه و احمد شاه و دولت تهران ارتباط موجود بوده و طرفین سعی مینمودند که در آشوبی که از جنگ بین الملل برخاسته بود تمامیت ایران را حفظ و تا سرحد امکان از نفوذ بیگانگان بکاهند، چنانکه هنگامیکه علی احسان پاشا در نظر گرفت که از طریق ساوه به تهران حمله و آنرا تصرف نماید به تقاضای احمد شاه نظام السلطنه با اینکار مخالفت و برای جلوگیری از آن به انور پاشا وزیر جنگ ترکیه متوسل و با اجرای این نقشه مخالفت نمود.

تصانیف تاریخی

در این مدت بار دیگر انگلیسها با موفقیت بیشتر و تجهیزات کاملتری در بین النهرین پیش رفتند و کوت العماره را تسخیر کردند و متوجه بغداد شدند. قوای عثمانی که این مدت تضعیف شده بود و با خطر محاصر شدن مواجه بود با سرعت عقب نشینی نمود و مهاجرین با وجود اینکه شکست نخورده بودند در اثر پیشرفت انگلیسها در عراق ناچار به عقب نشینی و ترك

ایران شدند و به ترکیه رفتند و تا پایان جنگ در آن کشور بسر بردند .
سالار لشکر این بار با مهاجرین همراه نشد و از طریق کردستان به تهران
بازگشت .

چند نکته را باید تذکر داد: مهاجرت در اذهان يك پیام ملی بود
و شور و امید زیادی در دلها برانگیخت و از کلیه طبقات عده‌ای خانه و آسایش
زندگانی خود را رها کرده بمنظور آزاد کردن ایران از قید استعمار
روس و انگلیس اغلب از بیراهه‌ها و از کنار صفوف قشون روس عبور
کرده در غرب ایران اجتماع کردند. باید در نظر داشت که این پیام در
حالی انجام گرفت که قسمت اعظم مملکت در اشغال قشون روس و انگلیس
و یا تحت اداره رجال سرسپرده این دو سیاست بود و حکومت رسمی
تهران نیز با آن مخالفت می نمود. مهاجرین بکمک مؤثر دولتین آلمان و
عثمانی امیدوار بودند و دولت آلمان و پروس روس و سفیر آن کشور وعده
همه گونه مساعدت میدادند ولی این وعده‌ها هیچگاه صورت تحقق بنحود
نگرفت آلمانها در ابتدا مقداری طلا باین ایالات تقسیم کردند ولی این امر
بدون بر نامه انجام گرفت و اثر معکوس داشت و موجب حسد و رقابت روسای
ایالات گردیده از طرفی بین دولت آلمان و عثمانی اتفاق نظر وجود نداشت
و وسائل و مهمانی که از طرف آلمانها برای مهاجرین ارسال میشد در
ترکیه متوقف میگشت. آلمانها هیچگاه سباهی به ایران اعزام نداشتند

۱ - بنقیده بعضی ترکها مایل نبودند اسلحه زیاد بدست ایرانیان و با
لرها و کردها برسد و ایرانیان قدرت یابند

و فقط معدودی از افسران آنان مشاور مهاجرین بودند و با افزایش درگیری آلمانها در جبهه‌های اروپا این کمکها نیز بتدریج کاهش یافت^۱ و ملیون و عشایر که در جنگ با قشون روس شکست می‌خورند و به تنهایی قادر به مقابله با این قشون نبودند از امکان موفقیت و رهائی از تسلط همسایه قوی مایوس می‌شدند و به اوطان خود مراجعت میکردند و سالار لشکر در خاطر ازش چندین بار به این موضوع اشاره کرده است، با شکست مهاجرین و پیشرفت روسها تشتت آرا که از اولین مهاجرین پیدا شده بود باعث ایجاد تضادهایی شد که از قدرت و اعتبار آنها کاست.

بعدها معروف شد که بین فرمانفرما و نظام السلطنه قرارداد کتبی و محرمانه‌ای مبنی بر کمک متقابل در صورت شکست هر یک از طرفین منعقد گردیده بود. در وجود چنین قراردادی تردید است ولی آقای نرمان نمایندنده انگلیس در گزارشی بدولت خود مدعی شده است که یکی از افراد محترم جماعت انگلیسی مکاتبات مربوط به آنرا دیده بود^۲. اگر هم این قرار داد از صورت تعارضات شفاهی بین دو سیاستمدار که سوابق معتدی با یکدیگر داشته‌اند تجاوز نموده باشد نموده‌ایست از تلاش دیرینه رجال ایران برای حفظ استقلال این کشور.

۱ - یکی از نویسندگان انگلیسی مینویسد که نظام السلطنه دهر مهاجرین همه کوشش خود را نمود تا استقلال خود را در مقابل آلمانها نگهدارد.

P. Avery, Modern Iran, P.46

2 - Mr Norman to Earl Curzon, Tehran Nov. 6 th 1920

چنانکه قبلاً نیز اشاره شد در آن زمان گفته شده بود که سالار لشکر در بین مهاجرین نقش جاسوسی را داشته است^۱ ولی نه تنها این گفته ثابت نشده است بلکه اگر چنین قراردادی بین نظام السلطنه و فرمانفرما صحت داشت باید حدس زد که نقش او بیشتر نقش يك رابطه بوده است.

يك نکته دیگر که به آن اشاره میشود نتیجه جنگ در صفحات غرب ایران است که هر چند مستقیماً با موضوع مهاجرت مربوط نیست ولی بی‌مناسبت نیست که از وضع مردمی که قضاوت در آنها در آن گیرودار قرار داده بود یاد شود.

در سال (۱۹۱۸) ۱۳۳۷ هجری قمری يك افسر انگلیسی بنام دانا هیو که به قوای دانسترویل ملحق میشد و از همان راهی که مهاجرین دوبار از آن عبور کرده بودند یعنی از قسر شیرین، پاتاق، خسرو آباد، سرخه دژ، کرند، هارون آباد، ماهیدشت، کرمانشاه، بیستون، کنگاور، اسدآباد، عبور کرده بود و وضع این منطقه را چنین شرح داده:

عبارت زمین ویرانی و مرگ‌وار شدیم بر سر راه‌مادهات خالی از سکنه و ویران قرار داشت که جمعیت آنها در اثر قحطی از بین رفته بودند^۲. همین

۱- دیوانبیک «سفر مهاجرت» چاپ ۱۳۵۱

2 - Major N.H. Donohoe. With The Persian Expedition, London, 1910 P. 76

افسراز قصبه کردند نام برده می گوید که کردند مانند اکثر دهات ایرانی از چند خانه گلی تشکیل می شد که در دو طرف دره عمیقی قرار گرفته بودند و اضافه نموده است که مردم کردند مانند حیواناتی که شکار میکنند در مقابل آنان از ترس می گریختند و در سوراخهای زیر زمینی تاریک و متعفن و یا در بلندی های کوه پنهان می شدند و بعضی از این فراری ها را که جمع می کردند و با ملایمت یا آنها صحبت مینمودند در جواب از ترس رو حشت فقط غرش می کرد.

در همین تاریخ یکی از اهالی کرد مختصری از وقایع کرد را در جنگ جهانی بین المللی اول بنام «تاریخ مختصر کرد» نگاشته بود که در مجموعه اسناد سالار لشکر موجود است و وضع کرد را که بدون شك نمونه ایست از وضع سایر دهات و شهرهای بر سر راه قوای متخاصم شرح داده که قسمتی از آن در پایان این یادداشتها درج می شود.

یادداشت های عباس میرزا سالار لشکر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نیم ساعت از شب جمعه دوم شهر سفر توشقان ایل
 ۱۳۳۴. (مطابق قوس ۱۲۷۴ و ۹ دسامبر ۱۹۱۵)
 از شهر همدان حرکت چهارونیم از شب گذشته وارد
 ایل شکسته شب در آنجا متوقف بودیم.
 از ایل شکسته حرکت قریب بیروب وارد
 زمان آباد از آنجا حرکت سه از شب وارد ملایر
 شدیم.

شب جمعه ۲ صفر

جمعه ۲ صفر

شنبه ۳ صفر

در ملایر متوقف.

از ملایر حرکت ناهار در ساین صرف شد و شب
ماندیم حضرت والا با کالسکه به بروجرد تشریف
بردند سیزده روز در بروجرد متوقف .

اقامت در بروجرد سیزده روز در سفر خیر رسید
جنرال باراقف بساعده قشون روس وارد همدان
شده اند .

یکشنبه ۴ صفر

قریب بظهر از بروجرد حرکت^۱ ناهار در باغ
حاج حسین صرف نیمصاعت بفروب حرکت سه و
نیم از شب گذشته وارد اشترنجان، صبح از اشترنجان
حرکت ناهار در سعید خانی صرف دوازده شب
یکشنبه وارد نهاوند .

جمعه ۲۳ صفر

در نهاوند متوقف

یکشنبه ۲۵ صفر

چهار اذسته گذشته از نهاوند حرکت ناهار
در امر قمر صرف اول مغرب وارد شهرک شب در آنجا
بودیم .

سه شنبه ۲۷ صفر

از شهرک حرکت ناهار در کنار پل رود
گاماسیا صرف، مغرب وارد آران ماران شب در آنجا
توقف کردیم .

چهارشنبه ۲۸ صفر

از آران ماران حرکت ناهار در سراب بید
سرخ قریب یکساعت بفروب وارد صحنه شدیم^۲ .

پنجشنبه ۲۹ صفر

۱ - سالار لشکر در خاطرات خود توضیح داده است که با دوهزار سوار
لرستانی و هشت صد سرباز سیلا خوری از بروجرد راه افتاده بودند .

۲ - در این تاریخ کلیه قوای غرب که علیه روسها تجهیز شده بودند در
صحنه جمع شدند در همین تاریخ روسها در نهاوند ملیون را شکست دادند و
ادب شکست صدمه فوق العاده ای به آنها وارد آورد .

در صحنه متوقف

- ۶ ربيع الاول كميته دفاع ملي وارد صحنه شد . جمعه ۳۰ صفر
- ۷ ربيع الاول آفای نظام السلطنه از صحنه حرکت وبه بيد سرخ تشریف بردند.^۱
- ۱۰ ربيع الاول حمله به كنگاور تخليه كنگاور از قشون روس^۲
- دوشنبه ۱۲ ربيع الاول كنت كانيترز آلمانی در يکی از دهات نزديك كنگاور خود را انتحار وجسد اومفقود شد.
- دوشنبه ۱۲ ربيع الاول يك هديه (تقریباً ۵۰۰ نفر) از قشون عثمانی وارد صحنه شد.^۳

- ۱ - در این تاریخ قوای ژاندارم گردنه‌های بيد سرخ و قزوینه را مستحکم و سنگر بستند ولی در مقابل تهاجم روسها نتوانستند استقامت کنند و شکست خوردند .
- ۲ - كنگاور که بين همدان و کرمانشاه واقع است از لحاظ سوق الجشی بسیار اهمیت داشت و چندین بار دست بدست گشت تا بالاخره بدست مهاجرین افتاد . كنت كانيترز که رهبری سپاهیان ایران را داشت شهادت فوق‌العاده از خود نشان داده بود ولی پس از این نبرد مفقود شد دلیل آن واضح نیست ولی روایات مختلف است و بعضی معتقداند که او را کشتند و بعضی گفته‌اند انتحار کرده بود احمد احرار «توفان در ایران» جلد دوم صفحه ۴۹-۶۵۹ سپهر و ایران در جنگ بزرگ» صفحه ۷۹ .
- ۳ - آلمانها مدتها بود که قول همه گونه كميك داده بودند ولی كميکی نفرستادند فقط در این تاریخ عده‌ای قشون ترك بسرکردگی شوکت بيك به ایرانیان پیوست.

شنبه ۲۲ ربیع الثانی

در: کردند متوقف^۱

یکشنبه ۲۳ ربیع الثانی

سه از دسته گذشته از کردند حرکت سه و نیم بفروب وارد سرخه دیزه شب در آنجا بودیم .

دوشنبه ۲۴ ربیع الثانی

سه شنبه ۲۵ ربیع الثانی

دو از دسته گذشته از سرخه دیزه حرکت ناهار در قهوه خانه پائین طاق صرف دو ربیع بفروب وارد سرپل ذهاب شدیم شب در آنجا متوقف صبح از سرپل حرکت دو و نیم بفروب وارد قصر شیرین شدیم

چهارشنبه ۲۶ ربیع الثانی

اقامت در قصر شیرین پانزده روز.^۲عصر جمعه ۲۲ جمادی الاول اردوئی که از اصفهان حرکت و از طریق بروجرود و پشتکوه به قصر شیرین عازم بودند وارد قصر شدند.^۳

جمعه ۱۲ جمادی الاول

۱- کردند قبلاً یکبار تحت تهاجم روسها قرار گرفته بود و آذوقه در آنجا نایاب شده بود بنابراین قوای مهاجرین نتوانست در آنجا اقامت نماید و ناچار به عقب نشینی خود ادامه داد . احمد احرار و توفان در ایران ، جلد ۲ ، صفحه ۶۸۸

۲- بنابراین سالار لشکر پس از تخلیه مواضع پاتاق قوای مهاجرین بکلی متشت شده بود وعدهی به اوطان خود مراجعت کرده بودند وعدهای از قوای چریک پراکنده شدند فقط رؤسای مهاجرین وعده محدودی از ژاندارمها با قوای عثمانی بطرف خانتین عقب نشستند .

۳- عدهای از این مهاجرین به صفوف ژاندارمها و چریکها پیوستند و در

- آقای نظام السلطنه ریاست مهاجرین و عدای
از اردو در قصر متوقف آقای سالار لشکر مصمم
حرکت به بغداد شدند.^۱
- چهار از دسته گذشته از قصر حرکت ناهار
در بین راه صرف یکساعت و ربع بغروب وارد
خانقین .
- چهار و نیم بغروب از خانقین حرکت يك
ساعت بغروب وارد قزل رباط شب در آنجا
متوقف .
- چهار از دسته از قزل رباط حرکت چهار
بغروب وارد شهر بان شب در آنجا متوقف.
- اول حمل لوی لیل صبح از شهر بان حرکت
دو بغروب وارد بمقوبه.^۲
- از بمقوبه حرکت در خان امیر ناهار صرف
نیمساعت بغروب وارد بغداد .
- دو بغروب از بغداد حرکت یکساعت بغروب
وارد کاظمین و طاعات فرنگی
- دوشنبه ۱۳ جمادی الاول
- یکشنبه ۱۴ جمادی الاول
- دوشنبه ۱۵ جمادی الاول
- سهشنبه ۱۶ جمادی الاول
- چهارشنبه ۱۷ جمادی الاول
- پنجشنبه ۱۸ جمادی الاول

۱- بددستی معلوم نیست که چرا سالار لشکر در قصر شیرین از نظام السلطنه
و سایرین جدا شد و بتنهایی به عراق رفت، امکان دارد که ضدیتها و دودستگی-
هایی که در قصر شیرین شروع شده بود و تهمت‌هایی که بوی میزدند باعث شد که
او پیشاپیش مهاجرین ایران را ترك نماید، (البته نباید فراموش کرد که
خانواده او از چندی پیش در عراق متوقف بود).

۲- در اصل بمقوبه است ولی در متن بمقوبه آمده.

شنبه ۱۱ جمادی الثانی

بقصد زیارت کربلا از کاظمین حرکت از بغداد گذشته سهونیم از دسته گذشته به محوطه وارد نیمساعت توقف، چهار از دسته گذشته از اسکندریه گذشته چهار بفروپ به مصیب رسیده شب دسرای کنار شط متوقف بودیم.

یکشنبه ۱۲ جمادی الثانی

صبح به قصد طفالان مسلم حرکت از آنجا به مصیب عودت کردیم پنج از دسته حرکت دو نیم بفروپ وارد کربلا در خانه حضرت اقدس فرمانفر ما وارد بعداً چون عمارت مخروبه بود باغ و خانه حاجیه شمس الدوله را که در شهر نو کربلا واقع است در محله این قصد منزل اختیار کردیم .
ده روز در کربلا متوقف.

چهارشنبه ۱۵ جمادی الثانی

عده بی از طایفه بنی حسن بریاست شیخ محمد علی کمونه و شیخ فخری کمونه به کربلا هجوم آوردند حکومت نظامی عثمانی کربلا با یک عده عسکر برای جلوگیری حرکت نمودند. طایفه بنی حسن سرایه را محاصره تا عسرا اعراب و عثمانی مشغول زد و خود بودند از قرار مسموع ۵۸ نفر از طرفین و عابرین مقتول شدند.^۱

۱- این گونه اختلافات بین عثمانی ها و اعراب مقدمه شروع قیام شریف حسین و اعراب بنجریک انگلیسها بود. در ضمن دیوانبیکگی در کتاب سفر مهاجرت « به این موضوع و به دشمنی بین اعراب و ترکها و ایرانیان که با آنها متحد بودند اشاره کرده است. « سفر مهاجرت » چاپ ۱۳۵۱

صبرپنجمشنبه از منزل حاجیه شمس الدوله حرکت، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ در خانه سید هاشم خادم از آنجا در خانه‌های عزالمک شیرازی منزل نمودیم.

از ۱۶ تا صبح دوشنبه اعراب و عثمانی اقلب مشغول زد و خورد بودند. از دوشنبه ۲۰ توسط علمای کربلا مابین حکومت عثمانی کربلا و شیخ فخری مذاکراتی شد بالاخره عساکر عثمانی کربلا را تخلیه نمودند.

تا پنجشنبه ۲۳ اعراب گلدسته‌ها را سنگر نموده اغلب شلیک کرده حکمفرما بودند.

از کربلا حرکت با کمال وحشت بواسطه ناامنی راه طی طریق نموده چهار از دسته به معصیت وارد ازشط بوسیله قفه عبور کرده سه ونیم از شب شنبه وارد کاظمین.

جمعه ۲۴ جمادی الثانی

از شنبه ۲۵ جمادی الثانی لغایت ۲۱ رمضان در کاظمین متوقف

۱۲ رجب بقصد حرکت پشتکوه وسایل فراهم ولی عثمانی‌ها مانع شدند.

رجب

۱- در این مدت مهاجرین هم به کاظمین و بغداد وارد شدند و نظام السلطنه سفر کوتاهی به بغداد کرده با انور پاشا وزیر جنگ و فرمانده کل قوای عثمانی که برای بازدید وضع قشون و رفع اختلافاتی که بین عساکر عثمانی و رهبران آلمانی بوجود آمده بود ملاقاتی نمود.

مطابق خبریکه رسید غره رمضان قشون عثمانی در تحت سرکردگی علی احسان یگوارد کرمانشاه شدند قشون روس کرمانشاه را تخلیه نمود .

در ۱۲ رمضان تقریباً معاودت به ایران رسمی و کلیه درسد حرکت برآمدند .^۱

چهارونیم از شب از معظم حرکت ساعت ده ۲۱ رمضان

واردخان امیرازخان امیر حرکت ساعت ۱۱ وارد ۲۲ رمضان

بمقوبه حضرت والا سالار لشکر با کالسکه از ۲۳ رمضان

کازمین حرکت فرموده بودند در بمقوبه رسیدند .

در بمقوبه متوقف . ۲۴ رمضان

پنج از شب از بمقوبه حرکت ساعت ۱۱ به ۲۵ رمضان

خان خورشید رسیدیم از آنجا گذشته سه از آفتاب گذشته به شهر بان .

قرزل رباط ۲۶ رمضان

چهار از دسته از قرزل رباط حرکت یکساعت ۲۷ رمضان

از آفتاب گذشته وارد خانقین .

یکساعت بفرود از خانقین حرکت ۲۸ رمضان

ش از شب گذشته وارد قصر شیرین قریب ۲۹ رمضان

بظهر از آنجا حرکت برای پالاق .

۱ - در این تاریخ انگلیسها در کوت العماده تسلیم ترکها شدند و قشون

ترك که آزاد شده بود باردیگر از طریق ایران به قوای روس که این قسمت از

ایران را اشغال کرده بود حمله کرد . مهاجرین تصمیم گرفتند که در عقب

شب سوم از باطاق حرکت در سرپل معطل نشده در سرپل متوقف.	۳۰ رمضان
وارد کردند.	سه شنبه غره شوال
۱۲ روز در کرفه متوقف.	
۶ شوال حمله عثمانیها به بیستون و تصرف آنجا.	
۷ شوال خلیل پاشا وارد کردند شد.	
۸ حمله عثمانیها به مسحنه	
۹ حمله به کفار در اسدآباد	
عصره ۱ شوال قشون عثمانی همدان را محاصره عصر جمعه ۱۱ عثمانیها همدان را فتح کردند.	
شنبه ۱۲ شوال از کردند حرکت ۷ از شب ۱۳ شوال وارد هارون آباد.	شنبه ۱۲ شوال
سه بنروب از هارون آباد حرکت شش از دسته دوشنبه ۱۴ وارد ماهیدشت.	یکشنبه ۱۳ شوال
چهار بنروب حرکت غروب دوشنبه ۱۴ شوال ۲۲ برج اسد وارد کرمانشاه.	دوشنبه ۱۴ شوال

۱ - قوای ترك تحت فرماندهی علی احسان بیكوهده‌ای ژاندارم ایرانی ۱۳۰۰ از کرمانشاه با سرعت به سوی همدان پیشرفت کرده قوای ژنرال باراتف را در گردنه آوج شکست دادند و سپس همدان را گرفتند وضع روسها چنان خطرناك شده بود که تصمیم داشتند به ایالات مرکزی ایران عقب نشینی کنند و حتی صحبت از این بود که شاه را همراه خود ببردند .

سه شنبه ۱۵ شوال	در کرمانشاه متوقف .
ذیقعه ، ذیحجه و محرم ۱۳۳۵ و سفر	حضرت والا سالار لشکر با اتفاق خلیل پاشا ^۱ باسد آباد تشریف بردند پنج شب در اسد آباد توقف فرمودند .
۲۵ ربیع الاول ۱۳۳۵ اول دلو در ثانی	حضرت والا سالار لشکر با اتفاق خلیل پاشا به اسد آباد تشریف بردند و دیگر به کرمانشاه هودت فرمودند .
۳ جمادی الاول	۲ جمادی الاول و سول تلگراف سقوط بغداد با آقای نظام السلطنه ۳ جمادی الاول انتشار خبر عقب نشینی
۴ جمادی الاول	ظهر ۴ جمادی الاول آقای نظام السلطنه اعلان رسمی برای حرکت مهاجرین از کرمانشاه دادند . ۲
۵ جمادی الاول	غالب و کلا از کرمانشاه حرکت .

- ۱ - خلیل پاشا والی بغداد و فرمانده قوای عثمانی در محاصره کوت العماره بود و بعداً مأمور جنگ در جبهه ایران گشت .
- ۲ - پس از سقوط کوت العماره و شکست انگلیسها در ۱۳۳۵ قمری (آوردیل ۱۹۱۶) ترکها با امیدواری بسیار از طریق ایران به دوسها حمله کردند ولی انگلیسها بزودی این شکست را جبران کردند و در ۱۳۳۵ قمری (۲۷ فوریه ۱۹۱۷) کوت العماره را باز گرفتند و با سرعت بسوی بغداد روانه شدند و سه روز بعد آن شهر را گرفتند و ترکها که قدرت سالهای اول جنگ را از دست داده بودند ناچار شدند با سرعت از ایران عقب نشینی کنند و مهاجرین بار دیگر ایران را ترک کردند .

- ۶ جمادی الاول
۶ و ۷ کلیه وکلا وعده ژاندارم و غیره حرکت.
- ۷ جمادی الاول
۸ جمادی الاول یکساعت و نیم بغروب از کرمانشاه حرکت فرمودند و کرمانشاه از عده مهاجرین و قشون ایران تخلیه شد.
- ۱۱۹۱۰ جمادی الاول قشون ایران و عثمانی یکشنبه ۱۰ جمادی الاول
که از محنه میامند در کرمانشاه توقف نکرده حرکت نمودند.^۱
- شب علی احسان بیک وارد کرمانشاه شد متمم قشون عثمانی هم با او بودند پل قره سو را خراب کردند. ۱۴۰۱۳، ۱۲۰۱۱
- قشون عثمانیها با یکمده از ژاندارم در تحت سرکردگی مازور نصرالله خان کنار پل قره سو را در تحت امر علی احسان بیک پوزبسون دادند و دروها هم آنطرف پل مشغول حمله و جنگ بودند تا ظهر جنگ خفیف بود از بعد از ظهر جمعه حملات سخت از طرفین بشدت مداومت داشت و صدای شلیک اهالی کرمانشاه را متوحش ساخته بود.
- ۱۵ جمادی الاول
از صبح تا ظهر کمتر شلیک توپ میشد ولی از بعد از ظهر مخصوصاً از دو بغروب الی یک از شب یکشنبه حمله قشون متخاصم فوق العاده سخت بود.
- شنبه ۱۶ جمادی الاول

۱- این قشون تحت فرماندهی علی احسان بیک تا همدان پیش رفته بود و اکنون عقب نشینی میکرد. این عقب نشینی بقدری منظم و سریع انجام شده تا مدتی اهالی کرمانشاه خیر از وقایع نداشتند.

شب یکشنبه از سه ونیم از شب قشون عثمانی
که در سرپل قره سو و کرمانشاه بودند بمجمله کرمانشاه
را ترك گفتند.

صبح یکشنبه ۱۷ دو ساعت از دسته پیش
قراولین قشون روس وارد کرمانشاه شدند و فوری
قشون عثمانی را تعقیب کردند. عثمانی ها در خطه
ماهیدشت شروع بدفاع نمودند عصر یکشنبه عدّه
کثیری از قشون روس وارد کرمانشاه شدند يك
قسمت برای ماهیدشت حرکت، عدّه در شهر تمرکز
یافتند.

یکشنبه ۱۷ جمادی الاول

در کرمانشاه، ۳۰ جمادی الاول جنرال
باراتف وارد کرمانشاه اهالی شهر تا نزدیک پل
قره سو مفصلاً استقبال کردند، سپس وارد کرمانشاه
شد.

۱۸ الی ۲۲ لغایت

۳۰ جمادی الاول

تالیف ح. ن. کردی

نقل از تاریخ مختصر کرد (۳۷ - ۱۳۳۳)

فصل چهارم در ابتدای معاربه بین المللی و خدمات وارده

بتاریخ بیست و ششم ماه جمادی الاول مطابق بیست و دوم برج حمل توشقان میل ۱۳۳۲ اولین اردوی دولت علیه عثمانی بقماندانی حسین رؤف بیک وارد سرحد و قمر شیرین شد دوشب و سه روز در قصر توقف نموده مشیره اعراب دولو و زنگنه و باجلان و شیخ حمید و سایر همراهان او ضرر و خسارت کلی به محصولات زارعین و ادارات دولتی وارد آورده حتی الامکان در غارتگری مضایقه نمودند روز بیست و پنجم حمل اردوی عثمانی طرف پساطاق حرکت دیرهایون نایب خانقین از جانب حسین رؤف بیک بحکومت قصر برقرار شد قریب یک ماه اردوی عثمانی در پای طاق توقف نمودند پس از آن دیزه و صرمیل کردند آمده چندی در آنجاها خرابی و خسارت وارد نموده بعد اردوگاه آنها در پانصد قدمی نزدیک بقصبه کردند قرار گرفت و چادر در میان باغهای کردندند از خرابی به محصولات و خسارات به باغات از هر حیث کوتاهی و مضایقه نمودند

۱- فصل اول تاریخ مختصر کرده در باره املاک کرد است و چون مربوط

بموضوع نیست ضمیمه نشد.

کار خیلی بر اهالی کردند سخت شد روزی یکنوع سیاست بدی جهت زارعین کردند فراهم مینمودند بالاخره مورخه پنجم ماه شهر شعبان مطابق با برج سرطان ۱۳۳۳ قضیه جنک با کرندیها پیش آمد، عده مقتولین اهالی کردند و غیره از زن و مرد طفل موافق صورت واسامی مشخصه در دفتر موجوده صد و نود و نه نفر، مدت هفده روز اردوی مزبور در کردند بدون طرف و دعوا مشغول غارت نمودن بودند مطابق مراسله چهارم برج سنبله توشقان نیل ۱۳۳۳ تحت نمره ۵۵ که صورت غارت و خسارت کردند باستثنای بعضی ها که صورت نداده بودند مبلغ نهصد و شش هزار و هشتاد و دو تومان و نه قران و دو بیست و پنججاه دینار معین شده در روز بیست و دوم شهر شعبان علی اکبر خان سردار مقتدر سنجایی استعدادی مرکب از سواره و پیاده وارد کردند و بالای کوههای کردند سنگرها را گرفت با اردوی حسین رؤف بیک از صبح زود تا دو ساعت بنروب مانده مشغول جنک بودند نیز چند نفر از طرفین مقتول گردید.

سایر روسای سرحدی با اعیان و اشراف و رؤسای ادارات دولتی با باش شهیندر عثمانی مجلسی در خسروآباد برای اصلاح تشکیل دادند پس از دوروز توقف در خسروآباد نتیجه آن مجلس این شد و قرار اینطور دادند که اردوی حسین رؤف بیک مراجعت بحدود عثمانی نموده و خاک کردند را تخلیه بنمایند و غرامت اموال مزبور کردند را بدهد بدبختانه دیناری به آنها غرامت داده نشد.

فصل پنجم در باب عبور و مرور قشون متخاصمین عثمانی و

روس و مخطورات کرندیها

در سنه ۱۳۳۴ اوضاع ورود قشون دولت بیهیله روس پیش آمد کرندیها بر قایت عثمانیها و آن سدمات سابق الذکر باطناً از ورود روسها به آن صفحات بی میل نبودند ولی افسوس این میل مبدل به باس و ناامیدی و بدبختی آنها گردید

(نتیجه که احتشام الممالک از روسها گرفت فقط شش دانه پولک سرداری آنها برنج بود) لیکن در مقابل همه نوع تعدیات و فسادات و ماکلاش فوق العاده را دیده و شنیده طولی نداشت برای جلوگیری از روسها اردوی عثمانی بریاست شوکت بیک وارد سرخه دیزه و سرمیل الی کردند گردید پیش قراولان روس هم در خسروآبا منزل نموده هر روز پیش قراولان آنها مشغول زدوخورد و محاربه بودند کردند وجه مصالحه و توسری خورده هر دو دسته واقع شده در حقیقت شاگرد اتوکش بودند مدتی کردند دچار اینطور فلاکت و بلای ناگهانی و کشمکش و تعدیات قتل و غارت و فشار این دو اردو بود بالاخره اردوی عثمانی عقب نشینی نمود با این تفصیلات معلوم است کردند مبتلای چه گونه صدمات طاقت فرسائی بودند محتاج بشرح ربط نخواهد بود .

فصل ششم معاودت قشون عثمانیها به ایران

در سنه ۱۳۳۵ مجدداً اردوی عثمانی بریاست علی احسان بیک مراجعت بکنند نمود و روسها بطرف کرمانشاهان عقب نشینی نمودند از آنجائیکه عثمانیها سابقه کردند را در نظر داشته باز کردند ستم دیده دچار خسارات اردوی عثمانی گردید نیز احتشام الممالک حاکم کردند را مغلوباً و تحت الحفظ در میان گاری که حرکت او با یک جفت گاو بود به کرمانشاه آورده بعد از سه ماه زجر و حبس عاقبه الامر با یک نوع خفت و صدمات سخت مهلک سه هزار تومان جزای نقدی از او منفا گرفته و کرمانشاهان شش ماه تحت نظر عثمانیها بود .

فصل هفتم ایضاً درباره مراجعت روسها و تعدیات آنها

در برج مطابق ماه جمادی الثانی ۱۳۳۵ قشون علی احسان پاشا صفحه کرمانشاه و کردند را تخلیه نمود در موقع سوم عقب نشینی عثمانیها تجاوز از یک سال و چندماه صفحه سرخه و کردند جای تاخت و تاز و جولانگاه سالنات روس بود بهیچوجه از قتل و غارت اهالی کرده ضایقه ننمودند آخرین قتل و

غارت کردند بحکم يك نفر صاحب منصب و ملك گرجی، در ماه شعبان ۱۳۳۵ مدت چهار ساعت اجازه قتل عام کردند را بهمان قزاقها داده در آن روزه اندازه از زن و مرد و طفل مقتول شده بود که تاکنون اهالی کردند درست نتوانسته که تشخیص تلفات و خسارات خودشان را تعیین نمایند بعلت اینکه بعضی از خانوارهای کردند بوده اند که يك نفر از فامیل او باقی نمانده و برخی از آنها متفرق و فراری شده که آثاری از آنها معلوم نیست که در کدام کوه و دره فوت شده و یا آنها را هدف گلوله نموده اند علی التحقیق اهالی کردند تاکنون نصف از خساراتیکه از طرف قشون متحارب به آنها وارد آمده بکمسیون تعیین خسارات نفرستاده اند از شدت فلاکت و بدبختی اهمیت بنفوشتن صورت اموال منهوبه و مقتولات خود را نداده اند کاش اکتفا بهمان قتل و غارت مینمودند دست بدامن عفت و ناموسها دراز نمی شد در واقع این داغ جگر خراش تا دامنه قیامت بخود فراموش نخواهد شد ناموسهائی که لکه دار شده از شدت خجالت و غیرت از کمان خود فوراً خودشان را اعدام کرده اند و راضی نشدند بزندگان خود.

فصل هشتم در صدمات و تلفات نفوس در گرانی سنه ۱۳۳۶

در تعقیب چنین مصیبت‌های پی در پی در واقع هر آینه از روی يك نظر عمیق هر صاحب وجدان اوضاع ستم‌دیدی و پیریشان روزگاری این هم نوع را تفکر نماید نه زیر انداز و نه بالا پوش و نه قوت لایموت و نه سوخت نه نقدی و نه جنس برای احدی از آنها باقی نمانده جز سرما برف خانه‌های مخروبه بی تیر و چوب قوت آنها تا مدتی که برف کوهها را فرا نگرفته بود فقط بلوط کوهی بود بالاخره کارگرانی سال گذشته بالا گرفت و تلفات نفوس محترم روز بروز در تزیاید بود ناچار احتشام الممالک در دوازدهم ربیع الاول ۱۳۳۶ برای چاره جوئی و تلاش اعانه و رعایتی از طرف دولت بکرمانشاه آمده از اهالی شهر متجاوز از سیصد تومان باو داده شد آنهم از بابت قیمت مخابرات بهیشت و زراه عظام بتلکرافان خانه داد، نتیجه چهار ماه معطل تلگرافات عدیده عاقبت این

شد که اولیای دولت مقصد یکصد خروار گندم برای مشارالیه حواله فرمود چون شاهزاده عمادالدوله پیشکار مالیه سرفه شخص برای او نداشت لهذا مشکل تراشیها نمود تا اینکه اذاین فقره هم اهالی کردند محروم شده از وقتی یکنوع تحقیقات دقیقانه تخمیناً آنچه این نگارنده که يك نفر ایرانی و کردی الاصل است فهمیده عده تلفات این مدت انقلابات جنگ بین المللی بواسطه تهاجم قشون متحارب وگرانی سنه گذشته ازهرصد نفری بیست نفر پریشان روزگار باقی مانده معاش وزندگانی فعلی آنها هم بواسطه ناپنده گان دولت فخمیه انگلیس است که درعوض باسملکی راه اجرت به آنها میدهند و معاش مینمایند.

بتاریخ شهر ربیع الاول ۱۳۳۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی